



صبر

عامل پیروزی در جهاد اکبر

۲

آیه الله جوادی آملی

اقسام صبر

بحث در مورد روایاتی بود که مسئله صبر را تحلیل می فرمود. یک طایفه از روایات بیان شد که عظمت صبر را بیان می کند و نسبت صبر را به ایمان، به منزله نسبت سر به جسد می داند. اکنون بخش دیگری از روایاتی که صبر را تقسیم می کنند، یاد آور می شویم:

۱- از امیرالمؤمنین سلام الله علیه روایت شده که فرمود: «الضبر صبران، صبر عند المصيبة، حسن جميل واحسن من ذلك الضبر عند ما حرم الله عزوجل عليك...» (کافی- ج ۲- ص ۹۰)

صبر دو قسم است، یکی صبر هنگام رنج دادن مصیبت است که صبری است خوب و زیبا ولی صبری که از آن برتر و بالاتر است، صبری است که انسان بر گناه می کند (یعنی در هنگام مصیبت، خود را نگهدارد و آلوده به گناه و مصیبت نمی کند).

۲- از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «الضبر صبران، صبر علی اللیلة حسن جميل وأفضل الصبرین الورع عن محارم الله» (کافی- ج ۲- ص ۹۱) در این روایت نیز امام باقر علیه السلام همان معنی را با عبارتی دیگر بیان فرموده و صبر بر گناه را برتر و بالاتر از صبر هنگام نزول بلا دانسته است.

۳- روایتی که صبر را بر سه قسمت، تقسیم کرده، روایتی است که امیرالمؤمنین علیه السلام از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نقل می کنند که فرمود:

«الضبر ثلاثة، صبر عند المصيبة وصبر علی الطاعة وصبر عن المعصية. فمن صبر علی المصيبة حتی یرذها بحسن عزائها، كتب الله له ثلاثمائة درجة، ما بین الدرجة الی الدرجة، كما بین السماء والأرض. ومن صبر علی الطاعة كتب الله له ستائة درجة، ما بین الدرجة الی الدرجة كما بین نخوم الأرض إلى العرش ومن صبر علی المعصية كتب الله له تسعمائة درجة ما

«والذین صبروا ابتغاء وجه ربهم وأقاموا الصلوة وأنفقوا مما رزقناهم سراً وعلانية ویدرون بالحسنة السيئة، أولئك لهم عقبی الدار». (سوره رعد- آیه ۲۴)

در تشریح روش عملی اولوالالباب هشت صفت را ذکر فرمود که می گویند ناظر به دربهای هشتگانه بهشت است. یکی از آن صفت ها، صبر است که بمناسبت بحث صبر، آیات صبر استقصاء شد و بیان گردید که صبر در قرآن کریم بر سه قسمت آمده است. «صبر عند المصيبة، صبر عن المعصية وصبر علی الطاعة». روایات صبر نیز مانند آیات، چند دسته اند. برخی از روایات، عظمت صبر را بیان می کند و برخی، اقسام صبر را تبیین می نماید.

در آیاتی که صبر بر سه قسمت تقسیم شده بود و مواردش هم بیان شد، شاید آیه ۶۵ سوره مریم، آیه جامعی باشد می فرماید: «رب السموات والأرض وما بینهما فاعبده واصطبر لعبادته». خدائی که پروردگار و مدبر آسمانها و زمین و تمام نظام آفرینش است، او را عبادت کن و در عبادت او صابر باش. اگر عبادت بمعنای خصوصی اطاعت یعنی امتثال واجب ها باشد، این آیه تنها صبر علی الطاعة را بیان می کند ولی عبادت تنها بمعنای اطاعت و امتثال واجبات نیست بلکه عبادت امتثال مطلق دستورهای خداوند است. پس اگر دستور داد که هنگام مصیبت، جزع نکنید، باید اطاعت کرد و این خود عبادت است. اگر دستور داد در برابر دشواریها، مقاومت کنید، این عبادت است. اگر فرمود: از مصیبت بپرهیزید، عبادت است. اگر فرمود: از کارهای واجب، فاصله نگیرید، این می شود عبادت.

پس عبادت خدا در هر سه قسمت ظهور می کند و عبادتی که در آیه مورد نظر آمده است، اعم از اطاعت به معنای اصطلاحی است. بنابراین، صبر علی العباده، می تواند صبر جامعی باشد که هر سه مورد را در بر می گیرد.

بین الدرجه الى الدرجه كما بین نخوم الأرض إلى منتهی العرش». (کافی - ج ۲ - ص ۹۱)

صبر بر سه قسمت است، صبری هنگام مصیبت و صبری بر طاعت و صبری از گناه. (ولی درجات این صبرهای سه گانه متفاوت است) پس اگر کسی بر مصیبت صبر کرد تا وقتی که تمام شود، خداوند سیصد درجه برای او می نویسد که فاصله هر درجه با درجه دیگر، به اندازه فاصله زمین تا آسمان است از آن بالا تر صبر بر طاعت است که هر کس بر آن صبر کند، خداوند ششصد درجه برای او می نویسد که فاصله هر درجه با درجه دیگر، فاصله بین درون زمین تا عرش خدا است و هر کس که بر مصیبت صبر کند، نهصد درجه برای او نوشته می شود که فاصله هر درجه با درجه دیگر از درون زمین تا نهایت عرش است.

پس اگر در روایت آمده است که «قلب المؤمن عرش الرحمن» آن قلبی است که بتواند این صبر را تحمل کند.

درجات مؤمنین

کیفیت این درجات چگونه است؟ در سوره مبارکه مجادله می فرماید: «یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین آمنوا العلم درجات» (سوره مجادله - آیه ۱۱). خداوند مؤمنین را درجه ای بالا می برد ولی عالمان مؤمن را چندین درجه بالا می برد. در سوره انفال نیز پس از اینکه پنج صفت برجسته مؤمنین را ذکر می کند، می فرماید: «لهم درجات عند ربهم» (سوره انفال - آیه ۴). برای آنها درجاتی نزد پروردگارشان هست. و در سوره آل عمران بحث را از اینها بالا تر می برد و می فرماید: «لهم درجات عند الله» (سوره آل عمران - آیه ۱۶۳) خود مؤمنین - دلها و جانهای آنها - درجاتی است نزد خداوند. در اینجا دیگر جان آدمی است که فضائل و درجاتی از کمالات را طی می کند. و بهر حال اگر بخواهید حقایق آن عالم را برای ما بیان کنند، بهمین فاصله های محسوس ما بیان می کنند که به ذهن ما بیاید.

طایفه سوم روایاتی است که صبر را تحلیل می کند و آن را یک صفت نفسانی و درونی می داند که منشأ همه خیرات بیرونی است و در این باره روایتهایی را در بحث گذشته نقل کردیم، از جمله روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «من ملک نفسه اذا رغب واذا رهب واذا اشتهى واذا غضب واذا رضي حرّم الله جسده علی النار». اگر کسی مالک خود باشد، چه آن وقتی که رغبت و نشاط دارد، چه آن وقتی که رهبت و هراس دارد، و یا وقتی که گرفتار شهوت شد و یا آن وقت که غضب و عصبانیت بر او مستولی گردید و حتی آن وقتی که

راضی و خرسند است، اگر در تمام این شئون، مالک خود بود و خود را نباخت، خدای سبحان، جسد او را بر آتش دوزخ حرام می کند. از این حدیث معلوم می شود که صبر یک وصف نفسانی است و یک کار بدنی نمی باشد.

بیان دیگری از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «مرّوة الصبر فی حال الحاجة والفاقة والتعطف والغنا اکثر من مرّوة الإعطاء» (اصول کافی - ج ۲ - ص ۹۳). انسان اگر چنانچه متمکن باشد و خدمتی بکند و یا فاقد امکانات باشد و کاری از دست او نیاید ولی زیر بار کسی نرود، آن زیر بار کسی نرفتن، مردانگی است که فضیلتش بالا تر از خدمت آن کسی است که دارا است و خدمت می کند.

این آزادگی و حریت که از آن تعبیر به مرّوة و مردانگی شده است، صبر است و این رأس ایمان و سرمنشأ تمام فضائل و کمالات می باشد. و گاهی از آن تعبیر به مالکیت شده است که انسان مالک همه غرائزش باشد و گاهی در روایات بعنوان قهرمان تعبیر شده است که «اشدکم وافواکم، اصبرکم» و صبر همه این برجستگی ها را دارا است.

پس در تحلیل معنای صبر، صبر اوصافی دارد که حریت، مردانگی، مالکیت بر غرائز و قهرمانی از جمله آنها است. و این معنای پیروزی در جهاد اکبر است که در آن حال می تواند در جهاد اصغر نیز پیروز شود. و اینجا است که صبر به منزله رأس ایمان معرفی می شود.

رأس ایمان چیست؟

ایمان یک سلسله دستورات قلبی است و یک سلسله دستورات بدنی. آن دستورات بدنی به منزله اعضاء و جوارح ایمان است و دستورات قلبی به منزله رأس و سر ایمان. پس صبر یک وصف نفسانی است که در اجزاء ریشه قرار دارد. ولی نماز و روزه و سایر عبادات عقلی در اجزاء فرعیه ایمان قرار دارند. و انسان مؤمن کسی است که اول باید اوصاف نفسانی را تحصیل کند، سپس به اوصاف فرعی و بدنی بپردازد. این همان است که در روایت آمده است: ایمان اعتقاد به قلب است و اقرار به لسان و عمل به ارکان. و صبر جزء اجزاء ریشه ایمان است که از آن به مرّوة و مردانگی تعبیر شده است.

کدام صبر و کدام صابر؟

حفص بن غیاث از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «یا حفص، ان من صبر، صبر قلیلاً وان من جزع، جزع قلیلاً». ای حفص! هر که صبر کرد، اندکی صبر کرد و هر که جزع نمود، اندکی جزع نمود (زیرا بهر حال اوضاع دنیا می گذرد، پس اگر صبر کند، برای مدت

کوتاهی صبر کرده است و اگر بی تابی کند و تحمل ننماید، آن هم برای مدت کوتاهی است که می گذرد. پس چه بهتر که انسان صبر کند.

سپس فرمود: «علیک بالصبر فی جمیع امورك، فان الله تبارک و تعالی بعث محمداً صلی الله علیه وآله فأمره بالصبر والرفق فقال: [واصبر علی ما یقولون واهجرهم هجراً جمیلاً، وذرني والمكذبین أولي النعمة] وقال تبارک و تعالی: [ادفع بالنبي هي احسن، فاذا الذي بينك وبينه عداوة كأنه ولي حميم، وما یلقبها الا الذین صبروا وما یلقبها الا ذو حظ عظیم] فصبر رسول الله صلی الله علیه وآله حتی نالوه بالعظام ورموه بها فضاقت صدره فأنزل الله عزوجل: [ولقد نعلم أنك بضیق صدرک بما یقولون، فسبح بحمدریک وکن من الساجدین] ثم کذبوه ورموه فحزن لذلك فأنزل الله تعالی: [قد نعلم أنه لیحزنک الذی یقولون ولكن الظالمین بآیات الله یجحدون، ولقد کذبت رسل من قبلك فصبروا علی ما کذبوا وأوذوا حتی أتاهم نصرنا] فألزم النبي صلی الله علیه وآله وسلم نفسه الصبر، فتعدوا فذکروا الله تبارک و تعالی وکذبوه، فقال: قد صبرت فی نفسی وأهلی وعرضی ولا صبر لی علی ذکر إلهی، فأنزل الله تعالی: [ولقد خلقنا السموات والأرض وما بینهما فی ستة آیام وما مستنا من لعوب، فاصبر علی ما یقولون] فصبر صلی الله علیه وآله فی جمیع أحواله، ثم بشر فی عترته بالائمة ووصفوا بالصبر فقال جل ثناؤه: [وجعلنا منهم أئمة یهدون بأمرنا لما صبروا وكانوا بآياتنا یوقنون] فعند ذلك قال النبي صلی الله علیه وآله وسلم: الصبر من الايمان کالرأس من الجسد. فشرک الله عزوجل ذلك له، فأنزل الله عزوجل: [وتمت کلمة ربک الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا وذرنا ما کان یصنع فرعون وقومه وما کانوا یعرشون]. فقال صلی الله علیه وآله وسلم: إله بشری وانقیام، فأباح الله عزوجل له قتال المشرکین فأنزل الله: [اقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم وخذوهم واحصروهم واقعدوا لهم کل مرصد] و[واقتلوهم حیث تقفتموهم] فقتلهم الله علی یدی رسول الله صلی الله علیه وآله وأحبابه وجعل له ثواب صبره مع ما اذخر له فی الآخرة. فمن صبر واحتسب لم یخرج من الدنیا حتی یقر الله له عینه فی أعدائه، مع ما بذخر له فی الآخرة.

(کافی - ج ۲ - ص ۸۸)

این روایت بسیار جامع و جالبی است درباره صبر که حفص بن غیاث از امام صادق علیه السلام نقل می کند که پس از آن مقدمه کوتاه حضرت انگیزه صبر را توضیح می دهد و در آغاز به حفص می گوید: ای حفص! بر تو یاد به صبر در تمام کارها و شئون زندگی، زیرا خدای تبارک و تعالی پیامبرش حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله وسلم را برانگیخت، سپس او را دستور به صبر و مدارا کرد و فرمود: بر آنچه می گویند صبر و تحمل کن (صبر عند المصیبه)

وخیلی آرام از آنها دوری جوی و مرا تنها بگذار تا سراغ این متمکنین و منتعمین بروم و آنها را کیفر کنم و همچنین خدای تبارک و تعالی فرمود: اگر کسی سینه ای مرتکب شد، تومیته را با حسنه و خوبی دفع کن تا اینکه در اثر گذشت و بزرگواری تو، دشمنت دوستی گرم و صمیمی شود و هرکسی این توان را ندارد که بدی را با خوبی و گذشت حل کند جز آن کس که صابر باشد و از حفظ عظیم ایمان برخوردار باشد. این دستور که رسید حضرت رسول صلی الله علیه وآله صبر کرد تا آنجا که به او تهمت های سنگین زدند و حرف های ناسزا و ناصواب نسبت دادند، پس حضرت از این برخوردهای ناروای کفار، دل تنگ شد، آنگاه خدای عزوجل این آیه را نازل کرد: ما به خوبی می دانیم که از سخنان ناروای اینها دل تنگ و دل گرفته می شوی ولی باز هم باید صبر کرد و خدایت را تسبیح کن و از ساجدان باش. حضرت باز هم صبر کرد، پس کفار او را تکذیب کردند و دگر بار تهمتها زدند (و گاهی به عنوان مفتری یا به عنوان ساحر او را نامیدند) سپس خدای تعالی این آیه را نازل کرد: ما می دانیم که سخن اینها تورا محزون و غمگین می سازد و اینها تورا تکذیب نمی کنند بلکه آیات الهی را انکار می نمایند ولی لازمه رسالت بردباری است و همانا پیامبرانی پیش از تو آمدند و از سوی اقوام خویش تکذیب شدند ولی صبر و تحمل کردند بر آن تکذیب ها و شکنجه ها تا اینکه سرانجام پیروزی ما به آنها رسید.

پس پیامبر صلی الله علیه وآله صبر را بر خود الزام کرد تا اینکه اینها از اهانت به حضرت، فراتر رفته و به ذات اقدس الهی بد گفتند و خدای را تکذیب کردند، حضرت فرمود: من در مورد خود و خانواده ام و اهل من صبر کردم ولی نسبت به خداوند نمی توانم صبر کنم، آنها دارند خدا را ناسزا می گویند. باز هم آیه نازل شد که: ما نظام با عظمت آفریش را در شش روز آفریدیم و چیزی در ما اثر نگذاشت و هرگز خسته نشدیم و نرنجیدیم، پس تو هم بر آن سخنان صبر کن (و متخلق به اخلاق ما باش) پس حضرت در تمام امور و اوضاع و احوال صبر و تحمل کرد، پس آنجا بود که به او بشارت داده شد که ائمه از عترت و اهل او خواهند بود و آن امامان نیز موصوف به صبر شدند و خداوند فرمود: و ما از آنان امامانی قرار دادیم که به امر ما مردم را هدایت می کنند و این به برکت صبر آنها است و به این است که آنها به آیات ما یقین دارند.

پس از گذشت همه این مراتب صبر، آن وقت رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: صبر از ایمان، به منزله سر از جسد است. و خداوند پیامبرش را بر آن صبر سپاس گفت و این آیه را نازل فرمود: و به پاداش

دادی آن یکی میگوید غیبت مرا کردی و آن یکی میگوید تو با من همسایه بودی و حق همسایگی را ادا نکردی آن یکی میگوید تو با من معامله کردی و در معامله با من غلّ و غش کردی آن یکی میگوید تو مرا در معامله مغبون نمودی و عیب کالای خود را پوشاندی و دیگری میگوید تو در معامله در بیان نرخ کالای خود دروغ گفستی آن یکی میگوید تو در دنیا مرا دیدی که محتاج هستم و قدرت کمک کردن بمن را داشتی ولی کمک نکردی آن یکی میگوید تو در دنیا دانستی که من مظلوم واقع شده‌ام و توانائی بر رفع ظلم از من داشتی اما کوتاهی کردی و بجای رفع ظلم با ظالم سازش کردی و حق مرا مراعات نکردی!

در این حال که تو در میان این همه دشمن واقع شده و چنگال همه آنها بتو بند شده است و تو در میان متحیر و مبهوت مانده‌ای نگاهی بجانب پروردگار متعال که شاید ترا از این ورطه هول‌انگیز خلاص نماید داری که ناگاه از جانب خداوند جبار این ندا در گوش تو طنین می‌افکند: «الْيَوْمَ نَجْزِي كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ أَلَيْسَ» یعنی امروز هر فردی بآنچه که در دنیا مرتکب شده است مجازات میشود امروز بر احدی ظلم نمیشود در این موقع دلت از هیبت و هراس از جا کنده میشود و متذکر آن هشدارى که خداوند با زبان پیامبرش بتو رسانیده بود:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا تَعْمَلُ الْغَالِثُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِیَوْمٍ نَشْخَصُ فِيهِ الْإِنْبِطَارَ مُنْهَضِينَ مُفِئِينَ زُؤُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ ظَرْفُهُمْ وَأَفَلَدْتَهُمْ هَوَاءً».

یعنی گمان نکنید که خداوند از آنچه که ظالمان متجاوزان بحقوق انجام میدهند غافل است بلکه کيفر ظالمان را برای روزیکه چشمها خیره و حیران میشود بتأخیر انداخته است در آنروز آن ستمکاران همه شتابان و هراسان سربطرف بالا کرده و چشمها واله و حیران مانده و دلهاشان از شدت عذاب به دهشت و اضطراب افتاده است ایستاده‌اند، میگردی.

بنابراین امروز از چه جهت در برابر حقوق فراوانی که با آبرو و حیثیت و شخصیت مردم یا با اموال مردم یا سائر شؤون زندگی مردم ارتباط دارد بی تفاوت و بی اعتنا هستی؟ در آنروز که بساط عدل الهی گسترده شود و سیاست عادلانه خداوند جلوه کند تو عاجز و مُفلس خواهی بود نه حقی را میتوانی ادا کنی و نه عذری میتوانی بساوری در آنحال از خستانتی که عمر خود را در راه تحصیل آن با زحمت‌های فراوان صرف کرده‌ای گرفته میشود تا حقوقی را که پایمال نموده‌ای بآنوسیله جبران کنند و برای تو چیزی باقی

نیمماند تا در سایه آن به رفاه برسی پس از هم اکنون بفکر آنروز سخت باش و با جلیت کامل در راه خلاص و نجات خود گام بردار و کاری را که امروز باید آنرا انجام

بدهی هرگز بغردا میفکن.

از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله نقل شده است که حضرتش فرمودند: میدانید مُفلس کیست؟ گفتند یا رسول الله در میان ما مُفلس بکسی گفته میشود که پول و مال ندارد آنحضرت فرمودند مُفلسان امت من کسانی میباشد که با همراه داشتن نماز و روزه و زکاة بعرصه محشر وارد میشوند ولی چون به حقوق مردم اهمیت نداده این شخص را در دنیا فحش داده و بآن یکی نسبت ناروا داده و مال این را خورده و خون آن یکی را ریخته و آن دیگر را زده است... با این تجاوزها مورد بازخواست خداوندی قرار میگیرد و از حسنات خود (از همان نمازها و روزه‌ها و انفاق‌های خود) ناگزیر برای جبران باین و آن در برابر حقوقی که از آنها پایمال کرده است. میدهد تا خستانتش تمام شود و اگر باز هم حقوقی را تفویت کرده است که خستانتش وافى بادای آنها نشده است از گناهان صاحبان حقوق گرفته میشود و باین شخص ظالم داده میشود و از آن پس در آتش جهنم افکنده میشود.

این چنین افراد، مُفلسان روز قیامت میباشدند.^۷ ادامه دارد

- ۱- نهج البلاغه خطبه ۱۷۵.
- ۲- سوره نساء آیه ۴۸.
- ۳- وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۳۳۹.
- ۴- المحجة البیضاء ج ۸ ص ۳۲۳-۳۲۶.
- ۵- سوره مؤمن آیه ۱۷.
- ۶- سوره ابراهیم آیه ۴۲-۴۳.
- ۷- المحجة البیضاء ج ۸ ص ۳۴۰-۳۴۱ و صحیح مسلم ج ۸ ص ۱۸.

کرد که: مشرکین را هر جا دیدید بکشید، آنان را دستگیر کنید و بر آنان تنگ بگیرید و در کمینشان بنشینید و آیه‌ای دیگر فرمود: هر جا مشرکان را یافتید به قتل برسانید، پس خداوند بر دست پیامبر و یارانش، آنان را به قتل رسانید.

آنگاه امام صادق علیه السلام فرمود: آری! هرکس برای رضای خدا صبر کند، از دنیا نمی رود مگر اینکه خدای سبحان چشم او را به پیروزی بر دشمنانش روشن نماید به اضافه ذخیره آخرتش که بهشت برین است.

بقیه از صبر، عامل پیروزی در جهاد اکبر

صبری که بنی اسرائیل کردند، احسان خدا بر آنها به حد کمال و تمام رسید و ما فرعون و قومش را با آن کارها و صنایع و کاخ‌ها نابود ساختیم.

این آیه که نازل شد حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: این بشارت و امید پیروزی است و اجازه انتقام از مشرکین می باشد، سپس خداوند کارزار با مشرکان را روا دانست و اجازه داد و آیه نازل